

تهران رو در روی حکومت اسلامی!

گزارش حزب
گمونیست کارگری ایران
از تظاهرات ۱۸ تیر
متن قطعنامه ای از تظاهرات

روز ۱۸ تیر علیرغم چندین هفته آمادگی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از هرگونه اجتماع اعتراضی در تهران، نزدیک به صدهزار نفر در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران دست به تظاهرات زدند. علیرغم همه رجزخوانی های قبلی حکومت و غمزها و گل پرانی ها و لیخند زنی های دفتر تحکیم وحدت، مردم معترض به خیابان ها آمدند و تظاهرات جانانه ای را علیه حکومت اسلامی سازمان دادند.

تظاهرات از ساعت نه صبح با جمع شدن تعدادی از جوانان و زنان و مردان در جلو دانشگاه شروع شد. معترضین با بسیج دانشجویی که عکسهائی علیه

مینا احدی

خاتمی صبح روز پنجشنبه ۱۳ ژوئیه به تهران بازگشت. او سفرش را مهم و مثبت ارزیابی کرد و اعلام کرد باید منتظر نتایج دراز مدت این سفر شد.

هنوز چند ساعت از پرواز هوپیمای حامل خاتمی نگذشته بود که اعلام شد قراردادهایی بین ایران و آلمان امضا شده است. از جمله اینکه "مجرمین و پناهجویان غیر قانونی؟" به ایران تحویل داده خواهند شد!

خاتمی در این سفر قول همکاریهای اقتصادی بیشتری را گرفت. اما همه طرفهای درگیر بخوبی میدانند که شبی که در ایران بر فراز سر رژیم اسلامی در گشت و گذار است، حرف آخر را در مورد همه این توافقات نیز خواهد زد.

دولت آلمان و دست اندرکاران اقتصادی اش بهتر است بنشینند و فیلم چند روز برلین در ایام سفر خاتمی را ببینند. اینجا برلین نبود. اینجا شبلی دوره پینوشه بود. اینجا پاکستان و ایران و عراق بود. اینجا یکی دیگر از "جمهوری



جریانات سیاسی و فعالین دانشگاه در جلوی دانشگاه نصب کرده بودند، بگو مگو کردند و جوانان معترض عکسهائی نصب شده را پاره کردند و با بسیج و نیروهای رژیم درگیر شدند. ساعت ۱۰ رژیم سر رسیدند و سعی کردند معترضین را متفرق کنند. اما نتوانستند. تظاهرات کنندگان شعار "آزادی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی آزادی، دانشجوی زندانی"

صفحه ۲

خاتمی را آوردند و بردند

... و برلین را به مارگس سپردند



کردند تا بزور خواست دهان افرادی را که شعار مرگ بر رژیم اسلامی و خاتمی سر میدادند، را ببندند. این اولین دستاورد سفر خاتمی بود. برای پذیرایی از این موجود باید ابتدا خیابانها را قرق کرد، قدم به قدم نیروی مسلح مستقر کرد زور و کتک بکار برد. باید بدون احتیاج به ارائه دلیل و اعلام جرم دستگیر کرد و

صفحه ۲

بحال آماده باش کامل در آورده بودند. دولت آلمان در طول سه روز حضور خاتمی در مقابل بهت و حیرت همگان نشان داد که چه ظرفیت بالایی در هم قیافه شدن با رژیم فاشیستی حاکم بر ایران دارد. شبانه به خانه افراد اپوزیسیون ریختند. در خانه ها را شکستند و دستگیر کردند. اسراء را به سلول انفرادی فرستادند. تلاش

های موز و سرنیزه" آمریکای لاتین بود. در اینجا بر روی شاخه درختها و در درون بیشه ها در مرزها و در اطراف رودخانه ها و بالای ساختمان ها همه جا نیروی نظامی مستقر کرده بودند. در مقابل تظاهرات حزب کمونیست کارگری در برابر ساختمان سفارت رژیم، نفر بر زرهپوش مستقر کرده و بیش از ۱۰ هزار پلیس را برای مقابله با تظاهرات اپوزیسیون

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۱۱

۲۴ تیر ۱۳۷۹

۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

این سید اهل

گلاسگوست نیست!

صفحه ۴

میتینگ و

تظاهرات حزب

علیه سفر خاتمی

صفحه ۳

مقدسات اسلامی

زیر پای مردم!

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گزارش حزب کمونیست کارگری ایران

از تظاهرات ۱۸ تیر

متن قطعنامه ای از تظاهرات



از صفحه ۱

و تعداد زیادی از مردم بشدت زخمی شدند. مردم با سنگ به نیروهای سرکوب رژیم حمله میکردند و هرجا حزب الهی را تنها گیر میاوردند بشدت کتک میزدند. دخالت نیروهای انتظامی از ساعت هفت شروع شد. در ساعت ۷ و نیم دهها گاز اشک آور برای متفرق کردن مردم شلیک شد. در مقابل، مردم در امیرآباد شمالی آتش روشن کردند و همزمان در میدان ولی عصر یک ماشین متعلق به نیروهای انتظامی را به آتش کشیدند. در ساعت ۸ تعداد جمعیت به حدود صد هزار نفر میرسید. تعداد زنان شرکت کننده در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود. مردم علیرغم وحشیگری نیروهای انتظامی و دستگیریهای گسترده، با روحیه ای بالا شعار میدادند و متفرق نمیشدند. تعداد نیروهای گارد در این ساعات بطور چشمگیری افزایش یافته بود. هر چند دقیقه یک مینی بوس از مردم را دستگیر میکردند و به زندان میبردند. تعداد مجروحین بسیار بالا گزارش شده است. بیمارستانها و درمانگاههای اطراف دانشگاه پر از زخمی شدگان این تظاهرات شده است. مردم خیابانهای اطراف در خانه های خود را بروی تظاهرات کنندگان باز میکردند و به آنها کمک میکردند. نیروهای سرکوبگر به تعدادی از منازل وارد شده و عده ای را دستگیر کردند. اوباش رژیم همچنین به خانه یکی از اهالی حمله کرده و شیشه ها و پنجره های آنرا شکستند. اعتراضات تا ساعت ۱۰ شب با شدت ادامه داشت و نیروهای سرکوبگر و گارد و پلیس ضد شورش با معترضین در جنگ خیابانی بودند. حدود ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۱ شب پلیس و سایر نیروهای سرکوبگر فشار آورده و تظاهرات با دستگیری و تلفات و زخمیهای بسیار پایان یافت. در طی تظاهرات، نفوذی ها و لباس شخصی های سازمان یافته که خود را به لباس مردم درآورده بودند سعی در منحرف کردن شعارها و همچنین شناسائی معترضین داشتند که در چندین

دادند و قطعنامه و بیانیه هائی از طرف دانشجویان قرائت شد. دانشجویان به هشداریهای مکرر بلندگوهای نیروهای رژیم توجهی نکردند و آنها را مسخره کردند. اجتماع کنندگان با اوباش لباس شخصی و پلیس درگیر شدند. تا ساعت ۲ بعدازظهر درگیری پلیس با دانشجویان و مردم ادامه داشت. ساعت ۲ به محل اعتراض حمله شد و لباس شخصی ها، پاسدارها و پلیس و حدود ۳۰ را دستگیر کردند و با مینی بوس و تویوتا با خود بردند. معترضین گروه گروه قرار گذاشتند که ساعت چهار در چندین نقطه تجمع کنند. حدود ساعت ۴/۲۵ تا ۵ خیابانهای جلوی دانشگاه شلوغ شد و نیروهای چماق بدست و لباس سیاه و بسیج روبروی در دانشگاه مستقر شدند و همراه با پلیس به اجتماعات حمله کردند. ساعت ۵ شعار دادن در پیاده رو روبروی دانشگاه و خیابان انقلاب شروع شد. مردم به داخل خیابان انقلاب آمدند و نبرد همگانی با حکومت همراه با شعارهای کوبنده جمعیت شروع شد: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر استبداد"، "آزادی، برابری"، "آزادی، آزادی، آزادی مطبوعات"، "حکومت زن کش، زن ستیز و زن سوز نابود باید گردد"، "مرگ بر خامنه ای مرگ بر خاتمی"، "این آخوند را باید کشت، یا با تفنگ یا با مشت"، "مرگ بر شاه مرگ بر اکبرشاه"، "درد بر ضد ولایت فقیه"، "خامنه ای جیا کن، سلطنتو رها کن"، "مرگ بر این دولت مردم فریب"، "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"، از جمله شعارها بودند. همه خیابانهای مشرف به دانشگاه خیابان ولیعصر و امیرآباد و کارگر شمالی و خیابان فلسطین، بلوار کشاورز و میدان انقلاب، مملو از مردم معترض و جوانان و زنان آزاده بود.

حزب الهی ها و انصار و لباس شخصی ها که به قمه های نیم متری، چاقو، زنجیر و تسمه مسلح بودند به مردم حمله کردند

دانشجویان هم هست. ما از مردم هستیم و مردم ما هستیم.

۱- ما خواستار آزادی بیان و مطبوعات هستیم.

۲- ما خواستار برچیدن بساط خشونت و فشار پلیسی در جامعه هستیم و هر گونه فشار و خشونت در حق شهروندان را محکوم میکنیم.

۳- هرگونه فشار علیه فعالین دانشجویی، علیه فعالین سیاسی و دستگیری و تهدید آنان را محکوم میکنیم.

۴- خواستار ایجاد تشکلهای مستقل برای دانشجویان و آزادی فعالیت آنان هستیم.

۵- خواستار آزادی زندانیان در بند و زندانیان سیاسی هستیم.

۶- خواستار لغو هرگونه تبعیض بوده و ستم گری علیه زنان را محکوم میکنیم.

زنده باد آزادی، برابری مرگ بر استبداد"

در سالگرد ۱۸ تیر در اصفهان، رشت، مشهد، شیراز و تبریز نیز اجتماعاتی صورت گرفت. در اصفهان بیش از هزار نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در مقابل دانشگاه اجتماع کردند.

نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی این حرکت را سرکوب کردند. دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و دهها نفر را دستگیر کردند. در مشهد و رشت نیز

تجمعات مشابهی برگزار گردید. در این دو شهر نیز میان نیروهای انتظامی و دانشجویان درگیریهای

به وقوع پیوست و تعدادی از دانشجویان دستگیر شدند. در تبریز

مورد دستشان رو شد و کتک خوردند. آنها سعی کردند با ایجاد رعب و وحشت و ترساندن معترضین مردم را متفرق کنند و توطئه میچیدند و ناگهان از اینسو به آنسو میدویدند تا تجمع و انسجام تظاهرات کنندگان به هم بخورد. و یا شعارهای انحرافی میدادند و عکس سران حکومتی را بالا میگرفتند و در برابر خبرنگاران قرار میدادند تا وانمود کنند که معترضین از جناحهای رژیم هستند. در مقابل، تظاهرات کنندگان با شعارهای "مردم ما بیدارند از دوجناح بیزارند"، "مردم ما بیدارند از حکومت بیزارند"، عکس العمل نشان دادند. جمعی هم داخل مردم شدند که میخواستند با شعار حمایت از خاتمی و صلوات و الله اکبر تظاهرات را بر هم بزنند، که با شعارهای سرنگونی طلبانه مردم پاسخ گرفتند. تظاهرات امسال توسط مردم و کاملاً مستقل از گروههای طرفدار جناحهای جمهوری اسلامی سازمان داده شد و فضا و شعارهای آن از تظاهرات سال پیش بسیار رادیکال تر بود. حزب کمونیست کارگری نوارهای ویدیویی تظاهرات ۱۸ تیر ۷۹ را بزودی در دسترس عموم قرار خواهد داد.

در این تظاهرات تراکتها و اطلاعاتیهای زیادی توسط فعالین حزب در میان مردم پخش گردید. همچنین چند قطعنامه قرائت شد. متن یکی از این قطعنامه ها که در جلو دانشگاه، میدان انقلاب و خیابانهای اطراف چندین بار در میان مردم قرائت شد به شرح زیر است:

"آزادی، برابری، عدالت و نفی خشونت خواست مردم است. مطالبات مردم مطالبات

نیز دستکم شش نفر از تظاهر کنندگان توسط ماموران جمهوری اسلامی بازداشت شدند.

تظاهرات سالگرد ۱۸ تیر در ادامه اعتراض هزاران نفر از مردم شاتره شورش دو روزه مردم آبادان، دور تازه ای از اعتراضات گسترده علیه جمهوری اسلامی است. این تظاهرات ها صرفنظر از اینکه چگونه و حول چه مطالبه ای شروع شده باشند اما همه آنها مستقیماً کل نظام اسلامی را نشانه گرفته اند. مردم علیه سران جمهوری اسلامی شعار میدهند و به مراکز سیاسی و ایدئولوژیک حکومت حمله میکنند. صحنه سیاسی ایران نه در انتخاباتهای قلابی و مجلس مشتی مرتجع اسلامی بلکه در خیابانها و توسط مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب تعیین میشود. بگذار سران مرتجع رژیم اسلامی از وحشت این اعتراضات به خود بیچند و نماز وحشت بخوانند. این حرکت شکوهمند مردم برای رهایی از این بختک سیاه مذهبی است که هرروز قدرتمندتر و شکوهمندتر به پیش میرود.

حزب کمونیست کارگری، کارگران مراکز صنعتی و مردم آزادیخواه در سراسر ایران را به گسترش اعتصابات و اعتراضات برای سرنگونی حکومت کثیف و جنایتکار اسلامی و برپائی جامعه ای برابر و آزاد و مرفه، بدور از مذهب و فقر و نابرابری و بیحقوقی فرامیخواند.

**انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید**

میتینگ و تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه سفر خاتمی

۱۰ ژوئیه: از ساعت ۱۱ و نیم صبح تظاهرات حزب کمونیست کارگری در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در برلین شروع شده است. مردم آزادیخواه دسته دسته به تظاهرات می پیوندند. منطقه بشدت پلیسی است. تعداد زیادی از خبرنگاران رسانه های مختلف آلمانی زبان و فارسی زبان مشغول مصاحبه با کادرهای حزب کمونیست کارگری هستند. دولت آلمان از امروز تا روز ۲۰ ژوئیه یک طرفه قرارداد شینگن را که بر مبنای آن از کشورهای اروپایی همجوار بدون کنترل پاس میتوان به آلمان وارد شد، لغو کرده است. پلیس آلمان از چند روز قبل اربعاب مخالفین رژیم در آلمان را آغاز کرده است. به منازل عده زیادی هجوم برده اند. بعضا دستگیر و نیز تهدید کرده اند. بنا به آمار رسانه های آلمان نزدیک به ۲۰۰ نفر دستگیر شده اند و ۸۰۰۰ نفر را از سر مرزها برگردانده اند و یا از ورود

آنها به شهر برلین ممانعت کرده اند. علیرغم همه این محدودیتها تظاهرات بزرگ حزب در مقابل سفارت جمهوری اسلامی شروع شده است. ۱۱ ژوئیه: دومین روز تظاهرات تشکیلات آلمان حزب در برلین با استقبال گسترده مردم آزادیخواه و با موفقیت پایان یافت. صدها پلیس مسلح، در سراسر مسیر تظاهرات محدودیتهای زیادی را برای تظاهرات کنندگان ایجاد کردند. برخی از پوسته‌های حزب را جمع کردند، عابری را که بطرف مسیر تظاهرات در حرکت بودند بازرسی بدنی کردند و در چند نوبت شرکت کنندگان را بجرم شعار دادن علیه رژیم جنایتکار اسلامی دستگیر نمودند. انبوه پرچمهای سرخ و بزرگ تظاهرات کنندگان مورد توجه بسیار زیاد قرار گرفت. آزادی، برابری، حکومت کارگری، زنده باد جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی از جمله شعارهایی بود که



این تظاهرات و روشنگری های کادرهای حزب و اطلاعیه های وسیعی که در سراسر آلمان و در ابعاد وسیعی پخش شده است تاثیر قابل توجهی در روشن کردن افکار عمومی نسبت به واقعیت جامعه ایران و ماهیت کثیف جمهوری اسلامی بجا گذاشته است. علاوه بر آکسیونهای اصلی حزب در آلمان، تظاهرات و آکسیونهای متعددی نیز از طرف واحد های حزب در کشورهای مختلف اروپا و آمریکای شمالی برگزار شد.

همراه با عکس بزرگی از مارکس توسط تظاهرات کنندگان حمل میشد. تظاهرات کنندگان علیه جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی و علیه اقدامات شرم آور پلیس و دولت آلمان شعار میدادند. هنگامی که جمعیت شعاری در مورد جنایات خاتمی بعنوان یکی از سران حکومت اسلامی و خواست محاکمه او و سایر سران جمهوری اسلامی سر داد پلیس سه نفر را دستگیر کرد که بدنبال اعتراض مردم و بعد از چندین ساعت آزاد شدند. قبل از

همراه با عکس بزرگی از مارکس توسط تظاهرات کنندگان حمل میشد. تظاهرات کنندگان علیه جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی و علیه اقدامات شرم آور پلیس و دولت آلمان شعار میدادند. هنگامی که جمعیت شعاری در مورد جنایات خاتمی بعنوان یکی از سران حکومت اسلامی و خواست محاکمه او و سایر سران جمهوری اسلامی سر داد پلیس سه نفر را دستگیر کرد که بدنبال اعتراض مردم و بعد از چندین ساعت آزاد شدند. قبل از

ببل به طرف مرکز شهر رژه میرفتند. و به دو زبان فارسی و آلمانی فریاد زنده باد سوسیالیسم را سر میدادند. مردمان زیادی به شوق آمده بودند. میگفتند این ماجرا موجب شد تا "پیرمرد" به خیابانهای برلین بازگردد. خاتمی را مرتجعین آوردند و بردند. اما مارکس با حزب ما به برلین آمد تا بماند. دو روز تمام تصاویر این مارش باشکوه بر صفحه تلویزیونها ساعت به ساعت تکرار میشد. حزب کمونیست کارگری ایران یکبار دیگر اعلام میکند که مصمم است در صف مقدم مردم ایران به حیات این رژیم نکبت اسلامی پایان داده و بر ویرانه های آن بنیاد یک نظام سوسیالیستی را بنا نهد. نظامی که طلیعه رهایی بشریت در این اوایل قرن بیست و یکم خواهد بود.

اینها یک صدا فریاد میزدند دولت آلمان حامی کشتارهای دولت ایران است و فیشر و شرودر شرمستان باد! عظمت کار ما چنان بود که سد سانسور و سکوت مدیای آلمانی را شکست در این سه روز همگان بعینه دیدند که یک جنبش قوی اعتراضی در درون و بیرون مرزهای ایران در جریان است و حرف آخر در زمینه قراردادهای اقتصادی کذابی را نیز همین جنبش خواهد زد.

یکی از زیباترین دستاوردهای فعالیت ما در برلین این بود که روز سه شنبه، روز میتینگ بزرگ حزب کمونیست کارگری ایران، خیابانهای این شهر شاهد مارش عظیم کمونیستها و آزادیخواهانی بود که با انبوه پرچمهای سرخ و تصاویر مارکس، از میدان آگوست

جوانان ایران بازتاب یافت و طنین افکن شد.

اما همزمان با این میتینگها و آکسیونهای وسیع کمونیستها و مخالفین جمهوری اسلامی، نمایندگان چند جریان وابسته به طیف اکثریتی توده ای، ورود رئیس جمهور محبوبشان را به خاک آلمان لیبیک گفتند. از او طلب بخشایش کردند. از پشت درهای بسته و لای خاک پای مبارک برایش پیام خیر مقدم فرستادند. اما اکنون دیگر ورق به ضرر رژیم اسلامی و همکاران رژیم بر گشته است. دولت آلمان تنها به بهای یک افتضاح سیاسی شرم آور و با ریختن هزاران پلیس مسلح به خیابانها توانست سه روز با خفت و ترس و لرز از رهبر یکی از جنایتکارترین حکومتهای قرن پذیرایی کند.

در این سه روز برلین چهره دیگری به خود گرفته بود و شاهد یکی از روزهای زیبای خود بود. برلین صحنه تظاهرات عظیم مردمی بود که خواهان رهایی، آزادی و زندگی انسانی بودند.

از صفحه ۱

خاتمی را آوردند و بردند



تعیین کننده اند.

خیابانها با وجود محاصره و ضرب و شتم پلیس آلمان در قرق اپوزیسیون و مردم معترضی بود که جمهوری اسلامی را نمیخواستند. در این روزها هر هلیکوپتری پرواز میکرد با هوی جمعیت تظاهر کننده روبرو میشد. چرا که خاتمی فقط از آسمان برلین میتوانست حرکت کند. برلین پیام همبستگی به تهران و آبادان و شاتره فرستاد و در خیابانهای این شهر بزرگ، صدای اعتراض کارگران، زنان و

برد. باید یک جمهوری اسلامی هم در آلمان برپا کرد، و همین کار را کردند.

برای پذیرایی از این مهمان بدنام باید مهندسی افکار کرد. این را رسانه ها و مدیای "با شرف" و نان به نرخ روز خور انجام دادند. اعلام کردند: "مرزها را می بندیم و حکومت نظامی اعلام میکنیم چرا که با اپوزیسیون طرف هستیم که تروریست است و جان افراد برایش ارزشی ندارد؟! جای قاتل و مقتول و جای حاکم و محکوم را عوض کردند. به مردم گفتند که جمهوری اسلامی از طرف مردم معترض مورد ظلم واقع شده است. به همین دلیل باید دولت و پلیس آلمان به کمک آن بشتابد.؟! "

بهر حال خاتمی آمد و بر فراز سر برلین معلق ماند. اما در پایین و در سطح خیابانها اتفاقات دیگری افتاد که مهم و

به انترناسیونال هفتگی
کمک مالی کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

این سید اهل گلاس‌نوست نیست!



منصور حکمت
mhekmat@yahoo.com

یک نکته بسیار جالب توجه در اظهارات ماههای اخیر سران جمهوری اسلامی اذعان کرده‌اند که بیجا به خطر واقعی سرنگونی حکومت است. بی آنکه کسی چیزی پرسیده باشد، اعلام میکنند که "ضد انقلاب" و "غرب" و "آبادی بیگانه" بهیچوجه نخواهند توانست نظام را از بین ببرند. رهبر، که گویی منابع خبری ویژه ای دارد که از نزدیک ترین رفقای هم دریغ میکنند، وعده میدهد که بزودی توطئه های شومی برای از میان بردن نظام را برملا خواهد کرد. در آخرین و در عین حال دراماتیک ترین موارد این آیت الکرسی خواندن ها و بخود قوت قلب دادن ها، خامنه ای سران قوای چندگانه را جمع میکند تا به یاران نگران

خود اطمینان خاطر و به رقبای هشدار بدهد که اوضاع "نظام" مانند روزهای آخر نظام شوروی نیست. حکومت در حال فروپاشی نیست. قبل از هرچیز بخاطر اینکه این سید متدین و عزیز که رئیس دولت و قائد مجلس است "گورباچف ایران" نیست و "نمی خواهد" (یعنی نباید) باشد. شباهت هایی که خامنه ای به زعم خود میان اوضاع ایران امروز و شوروی دهسال قبل یافته و سراسیمه فکر انکار نتایج منطقی آنها افتاده، بسیار کلی و فرمال است. تنها جزء مشترک دو موقعیت شاید اینست که هیات حاکمه ای زیر فشار های اقتصادی و سیاسی از درون دچار تجزیه شده و بخشی از خود حاکمین صحبت از اصلاحات از بالا میکنند. اما این مشخصه همه حکومت های بحران زده است. مقایسه این دو وضعیت بیش از آنکه چیزی را روشن کند، گمراه

اشکال چشمگیرتری بخود بگیرد. اما باید پرسید این واقعا چه قوت قلبی به خامنه ای و شرکاء میدهد؟ در مثال شوروی مورد نظر خامنه ای، اگر گورباچف کلا به خط سنتی و برژنفی وقت تسلیم میشد و اعلام میکرد که دیگر "گورباچف" نیست، امروز اوضاع در شوروی در چه حال میبود؟ اگر فرضاً جبهه دوم خرداد کلا صحنه را برای خامنه ای و شرکاء خالی کند، واقعا چقدر خیال خامنه ای از بابت آینده رژیم اسلامی راحت میشود؟ مساله تماما به این گره میخورد که حکومت چه پاسخی در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی ای دارد که موجد این بحران بوده اند. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی پاسخی ندارد. خاتمی و جبهه دوم خرداد شروع بحران و مشکلات حکومت اسلامی نبودند. اینها معلول این بحران بودند. خاتمی و جبهه دوم خرداد یک تلاش کاملاً اسلامی و "خودی" برای نجات رژیم اسلامی، و از جمله خود جناب خامنه ای، از ضربات موجی هستند که برای در هم کوبیدن حکومت اسلامی براه افتاده. خاتمی و دوم خرداد در این روند کاره ای نیستند. اهرمی برای کنترل اوضاع

میکند. اما تصور خام و سطحی ای که خامنه ای از نقش دو سید در شوروی و ایران و تاثیرات موقعیت و انتخابهای فردی اینها در روند عینی تاریخی دارد کمک میکند سوالات تشویش برانگیز جدیدی را برای ایشان مطرح کنیم. خامنه ای مشاهده درستی دارد وقتی میگوید این سید اهل گلاس‌نوست نیست. از هم اکنون روشن است که خاتمی شخصا قایق جمهوری اسلامی را تکان شدیدی نمیدهد. خاتمی خاموش ترین و آشتی طلب ترین عنصر جبهه دوم خرداد است. تمام علائم حاکی از آن است که خاتمی نیز مانند خامنه ای در جستجوی یک فصل مشترک سیاسی با جناح مقابل و تنش زدایی است. همگرایی خاتمی و خامنه ای حتی میتواند در ماههای آینده

مقدسات اسلامی زیر پای مردم!

علی جوادی

واقعه در خرم آباد تکرار شد. در آبادان حمله به مساجد و مراکز تبلیغات اسلامی جزیی از اعتراض مردم علیه دستگاه اسلامی حاکم بود.

این حملات به مقدسات اسلامی نه تنها بیانگر حمله به ایدئولوژی رسمی رژیم آدمکشان اسلامی است. نه تنها نشانگر حمله به پندارهای ضد انسانی و خرافی اسلامی و مذهبی است. نه تنها حمله به اسلام بمشابه افیون توده‌هاست. بلکه علاوه بر همه مختصات ذکر شده حملات به مراکز تحمیق و شکنجه و ارباب است. حملات به جنبشی مذهبی و آدمکش و رژیم استوار بر این مبانی است. حملات به جنبش کثیف اسلامی با تمامی سبملها و باورها و ابزارهای آن است.

بدون تردید هر تحول آزادیخواهانه‌ای در ایران جنبشی ضد مذهب، ضد عقب ماندگی و

حمله به مساجد، در هم شکستن مراکز تبلیغات اسلامی و حمله به آخوند و عبا و عمامه و به آتش کشیدن قرآن یک استثنا، در حرکت اعتراضی مردم نیست. اتفاقی از سر هیجان و یا زودگذر نیست. اقدامی که در هر اعتراض اجتماعی تکرار شود، دیگر استثنا نیست، قاعده است. آگاهانه است. یک رکن پایهای اعتراضات اجتماعی در جامعه است. و به این اعتبار مشخصه اعتراضات کنونی مردم است.

در خلخال مردم حوزه علمیه شهر را به‌مراه تمام قرآنها و کتب اسلامی با آوردن تانکر نفت به آتش کشیدند. در رشت در روز برگزاری مراسم وحشت تاسوعا و عاشورای حسینی چلچراغ هایش را در هم شکستند. عین همین



جهل و ضد اسلامی خواهد بود. اما این تازه آغاز کار است. آنچه در شرف وقوع است تنها بخشی از آن تلاش عظیمی است که میبایست تحقق پذیرد. برای تصفیه حساب کامل و زدن ریشه اسلام سیاسی و لایروبی کردن جامعه از وجود جنبش اویاش اسلامی در ایران و به تبع آن در منطقه جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی میبایست در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، ادبی و سیاسی به تصفیه حساب با این جنبش ضد انسانی بپردازد. آزادی و خوشی مردم در گرو انجام این تلاش سترگ است. آزادی در فردای ایران بدون آزادی از مذهب و جنبش اسلام سیاسی بی معنی است!

تلفنهای ارتباط با کمیته کردستان حزب

رحمان حسین زاده
(دبیرکمیته کردستان)
روابط عمومی (محمد آسنگران)
فاکس

(۰۰۴۶ - ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷)
(۰۰۴۹ - ۱۷۷ ۵۶۹ ۲۴۱۳)
(۰۰۴۴ - ۸۷۰ ۱۳۳ ۷۲۰۹)

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران ۴۰۹۷۹۲۸ ۷۷۱ ۰۰۴۴
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج ۷۸۲۳۷۶۶ ۱۷۲ ۰۰۴۹

Website:
www.haftegi.com

Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

انترناسیونال هفتگی

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany